

طرح‌ها و آرزوهایم

در طول این سال‌ها طرح‌ها و آرزوهایی داشتم برای کوهمره و شیراز. پیوند ارگانیک این دو همواره در ذهنم بود. با جامعه‌شناسی و تاریخ که آشنا شدم ضرورت این پیوند را بیش‌تر دریافتم. پیوندهای طبیعی در تقسیم‌بندی‌های منطقه‌ای در طول قرون و اعصار متمادی بر بنیاد نیازها و کارکردهایی تکوین یافته و ساختارهایی را شکل داده؛ میکائیک و مصنوعی پدید نیامده. بیهوده همواره کوهمره جزو ارگانیک شهر شیراز نبوده است. این اندیشه در ذهنم پخته شد و کمال یافت.

شرمندم، ولی باید اعتراف کنم که واژه «باغ‌شهر» را من ساختم برای عمران کوهمره. طرحی مکتوب و مفصل نوشتم و در سال ۱۳۷۳، یک سال پیش از شروع کار مؤسسه فلاح، هیئت بلندپایه را برای بازدید از منطقه کوهمره به شیراز آوردم. کارشناسان شیرازی راهشان را زدند. غلامعلی پورامامی (با نام مستعار «صادقی»)، کارشناس محلی اداره کل اطلاعات فارس، به فرخی، مدیرکل وقت، و هیئت فوق گفته بود این طرح خیالبافی است. (هنوز جاده سیاخ را آسفالت نکرده بودم). بعدها، امامی دلال شرکت‌های فارس مبین و احرار شد، با نفوذ او پای محمود قوام به موقوفه بدیجان باز شد و منصور سلطانفر، برادر زن امامی، که به دلیل بیش از یک میلیارد تومان کلاه‌برداری تحت تعقیب بود و هنوز هم تحت تعقیب است، بیش از یکصد هکتار مرتع سُرخ‌ری را به نام موقوفه از محمود قوام، با پرداخت رشوه، گرفت. این شروع کار شرکت احرار فارس است.

بدینسان، طرح مرا دزدیدند و نام «باغ‌شهر» را. سال بعد دیدم واژه «باغ‌شهر» در شیراز بر سر زبان‌هاست. عیب ندارد. آن «باغ‌شهر» که من طرحش را دادم، زمانی که هنوز باغ‌شهری نبود، چیز دیگر بود. بدینسان، «باغ‌شهر» مثله شد و بدل شد به دکانی برای کسب ثروت‌های بادآورده و چپاول «موجه» اراضی دولتی شده؛ بی توجه به حقوق مردم و بدون طراحی علمی و تدوین استراتژی توسعه جمعیتی و منطقه‌ای. نتیجه‌اش، هرج‌ومرجی شده که می‌بینید. دیگر زمین بزرگ سالمی در پیرامون شیراز نمانده به جز اراضی دارنگان و مراتع کوهپایه دلو و زمین ارتش در سیاخ.^{۱۳} این سه زمین بزرگ حومه شیراز را نیز ببلعند، در آینده دولت باید طرح‌های توسعه شهری شیراز را در بیابان‌های اطراف آباده اجرا کند. شاید در کویر لوت. حتی راضی نیستند پنج هزار هکتار زمین ارتش را برای آینده شهر شیراز

۱۳. برای آشنایی با اراضی ارتش بنگرید به: همین کتاب، ص ۷۸۰.

دست نخورده بر جای گذارند. شعارشان این است: تفکیک کنید و بفروشید! اسمش را گذاشته‌اند «احیا» و «آبادانی». خودشان به شوخی خود را پیروان «مکتب تفکیک» می‌نامند. پولش به کجا می‌رود؟

این پرسش مهمی است. من در سال‌های اخیر، چنان‌که خواهم گفت، فقط ۱۲۰ هکتار باغ‌شهر در دارنگان احداث کردم، خرج‌های فراوان کردم، به زارعینی که بر روی این اراضی چهل پنجاه سال کار کرده بودند، به‌رغم مالکیت خودم که مورد اعتراف آنان بود، در حد رضایت کامل‌شان پول و قطعه دادم، شریکم بریزوپاش‌ها و ولخرجی‌های وحشتناک کرد، باز یک میلیارد تومان سود داشت. بیش از هشت هزار هکتار باغ‌شهر، که این مخارج را نداشت و، عموماً با غصب و قلدری یا نیرنگ و کلک و بدون پرداخت پول و جلب رضایت مردم، از دست متصرفین خارج شد و با ارزان‌ترین و بدوی‌ترین طراحی‌ها اجرا شد، چقدر سود داشت؟ توجه کنید که قیمت زمین نیز بسیار متفاوت است. در دارنگان هر قطعه باغ‌شهر یک‌هزار متری امروزه ده دوازده میلیون تومان فروخته می‌شود، در همایجان سپیدان یا صدرا سخن از ده تا بیست برابر این قیمت است. در صدرا، برخی قطعات باغ‌شهر ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان و بیش‌تر به فروش می‌رود.

دومین طرحی که من ارائه دادم، و امروز از پیامدهای وحشتناک آن به خود می‌لرزم، طرح تغییر کاربری اراضی دیم‌کار شیب‌دار و کم‌بازده به باغات بود.

در فارس بیش از ۲۰۰ هزار هکتار اراضی شیب‌دار و کم‌بازده دیم‌کار، به‌ویژه در مناطق کوهپایه‌ای، وجود دارد که عامل تخریب فزاینده محیط زیست و فرسایش غیرقابل جبران لایه‌های خاکی مفید است. در ایران میانگین تولید گندم دیم ۸۹۰ کیلوگرم در هکتار است که بسیار پائین‌تر از استانداردهای جهانی است. این تولید در دیم‌کارهای شیب‌دار و کوهپایه‌ای به زیر ۵۰۰ کیلوگرم در هکتار می‌رسد. کارشناسان زراعت کشت گندم دیم را در چنین اراضی نادرست و عامل تخریب فزاینده محیط زیست و فرسایش غیرقابل جبران لایه‌های مفید خاک، به‌ویژه در زمان بارندگی‌های سیل‌آسا، می‌دانند. «سازمان خواروبار جهانی سازمان ملل» (فائو)^{۱۴} نیز کشت دیم در اراضی دارای شیب بیش از ۱۲ در صد را خطرناک اعلام کرده است. طبق تخمین برخی کارشناسان، میزان فرسایش خاک ایران در سال ۱۳۵۰ یک میلیارد تن بود

14. Food and Agriculture Organization of The United Nations (FAO)

که در سال ۱۳۶۰ به ۱/۳ میلیارد، در سال ۱۳۷۰ به ۱/۶ میلیارد، در سال ۱۳۸۰ به دو میلیارد تن رسید و پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۳۹۰ به ۴/۵ میلیارد تن برسد.^{۱۵} این مسائلی است که من عنوان کردم و سرانجام در جلسه ۱۴ آذر ۱۳۸۳ شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان فارس تصویب شد و متعاقب آن اعلام شد که دو‌یست هزار هکتار از این‌گونه اراضی در فارس به باغ تبدیل خواهد شد.

در ۲۴ دی ۱۳۸۳ استاندار وقت فارس و سایر اعضای شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، به دعوت من، به دارنگان آمدند، اراضی شیبدار و کم‌بازده دیمکار دارنگان را دیدند و طبق صورتجلسه‌ای اعلام کردند که اراضی فوق‌مصدق بارز مصوبه جلسه ۱۴ آذر ۱۳۸۳ است و باید کاربری آن از دیمکاری به باغ تغییر یابد. در سفر فروردین ۱۳۸۶ دکتر احمدی‌نژاد، ریاست‌جمهوری اسلامی ایران، به شیراز مصوبه فوق در جلسه هیئت دولت تصویب شد و به صورت طرح ملی درآمد.

این طرح درست است و قابل دفاع. ولی هم اکنون به حربه‌ای در دست زمین‌خواران بدل شده برای تاراج اراضی و دریافت واگذاری‌های بی‌حساب. از عقوبت این طرح به خود می‌لرزیم. ولی گناه من چیست؟ مجریان کم‌دانش و نادان‌اند یا طماع و فاسد. طرح درست است ولی باید در مرحله اجرا نیز طراحی شود، مطالعات منطقه‌ای انجام گیرد، جامعه‌شناسان و کارشناسان کشاورزی و تاریخ به کار گرفته شوند. وگرنه سرنوشت آن همان سرنوشت طرح «باغ‌شهر» خواهد بود.

به بهانه این مصوبه، امروزه به جان اراضی مرغوب کشاورزی سیاخ و دارنگان افتاده‌اند و آن‌ها را به «باغ‌شهر» تبدیل می‌کنند. دشت سیاخ یکی از قطب‌های کشت گندم در فارس است. مؤسسه فلاحت سیاخ و احرار فارس و چند دلال محلی آن‌ها مراتع مشجر کوهپایه دلو را تخریب می‌کنند و می‌فروشند. مراتعی که جزو محدوده حفاظت شده محیط زیست است. تعدادی از مسئولین ذیربط در این تاراج شریک‌اند. دلیلم بازدید نمایندگان رسمی حاج داوود احمدی‌نژاد، رئیس بازرسی ویژه ریاست‌جمهوری، است از این تخریب‌ها به‌همراه مهرزاد خرد، مدیرکل منابع طبیعی فارس، و سید محمود حسینی، رئیس منابع طبیعی شیراز در تاریخ ۲۳ اسفند ۸۶. مسئولین منابع طبیعی دیدند و توجیه کردند. تخریب هفتصد هکتار زمین زراعی

۱۵. اظهارات فرود شریفی، معاون آبخیزداری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (فهیمة معروف، «فرسایش خاک: مراتع و جنگل‌ها به کجا می‌روند؟»، روزنامه قدس، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۵)

مورد ادعای منابع طبیعی و فروش علنی آن، از طریق احداث چاه‌های غیرمجاز، که تاکنون یازده تایی آن شناسایی و معدوم شده مسئله ساده و قابل توجیهی نیست. اگر شریک نیستند چرا ممانعت نمی‌کنند؟ چرا توجیه می‌کنند؟ می‌گویند «طرح آبخیزداری» است. عکس‌هایش را می‌آورم، ببینید طرح آبخیزداری است یا تفکیک و فروش اراضی دولتی؟



نمای روستای دارنگان در کوهپایه دلو، ۳۵ کیلومتری جنوب شیراز

۲۰۰ هزار هکتار از اراضی فارس تبدیل به باغ می شود

شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان مصوب کرد:

روزنامه: توسعه و برنامه‌ریزی استان مصوب کرد: ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی فارس تبدیل به باغ می شود

فلاح نیا از بافت قدیم شیراز مشکلات باغات قصر دشت زلزله و حفقت باغچه قصر دشت می گوید

تعمیرات باغچه قصر دشت در شیراز

تعمیرات باغچه قصر دشت در شیراز

۱۰۰ هزار دلار فرهنگ خانه دار می شود

بازارگاه ریس، تجهیزات باغبانی و فرهنگ های پیش ساخته

بازارگاه ریس، تجهیزات باغبانی و فرهنگ های پیش ساخته

فراخوان مقاله

گردهمایی بزرگ فرهنگیان آموزش و پرورش و فرهنگ

گردهمایی بزرگ فرهنگیان آموزش و پرورش و فرهنگ

۲۲ شهریور ۱۳۸۵ • ۵ Des 2004

شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان مصوب کرد: ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی فارس به باغ تبدیل می شود

شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان مصوب کرد: ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی فارس به باغ تبدیل می شود

شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان مصوب کرد: ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی فارس به باغ تبدیل می شود

در جلسه هیئت مدیره شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان که به ریاست دکتر محمدعلی باقری، مدیرکل توسعه و برنامه‌ریزی استان فارس، برگزار شد، اعضای این شورا با تصویب طرح تبدیل ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی فارس به باغ موافقت کردند. این طرح در راستای توسعه کشاورزی و اشتغال‌زایی در استان فارس تدوین شده است.

این طرح در راستای توسعه کشاورزی و اشتغال‌زایی در استان فارس تدوین شده است. اعضای شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان فارس در جلسه هیئت مدیره خود با تصویب این طرح موافقت کردند.

توسعه استان جنوب

توسعه استان جنوب

توسعه استان جنوب

توسعه استان جنوب

توسعه استان جنوب

توسعه استان جنوب

توسعه استان جنوب

توسعه استان جنوب

مصوبه تبدیل اراضی شیبدار و کم بازده دیمکار به باغ



نمونه اراضی شیبدار و کم بازده دارنگان که منظورم بود.



نمونه اراضی شیبدار و کم بازده دارنگان که مدنظرم بود.

شهر غیرمتراکم: الگویی برای شهرنشینی در ایران

سومین طرح مهمی که برای توسعه علمی شیراز و عمران کوهمره ارائه دادم، «طرح احداث مجتمع شهری غیرمتراکم و پراکنده» است.

جنگل‌های انبوه زاگرسی کوهمره سُرخ‌ی، به وسعت بیش از سه هزار کیلومتر مربع، از سی کیلومتری جنوب شیراز آغاز می‌شود. پیش از آن دشت زیبای سیاخ است که به موازات دشت شیراز قرار دارد؛ بزرگ‌تر و به مراتب زیباتر از دشت شیراز: در جنوبش کوه دلو با جنگل‌ها و قله‌های پوشیده از برف آن، و در مرکزش رودخانه قره‌آقاج که طویل‌ترین رود فارس است و با نام رود مُند به خلیج فارس می‌ریزد. باید شهر شیراز در دشت سیاخ بنا می‌شد نه در دشت کنونی. نمی‌دانم. دشت شیراز در سده‌های اوّل هجری چون دشت امروزی سیاخ زیبا بود. هم شرق دشت شیراز، که تالاب بود و بیشه‌زار و مأوای انواع حیوانات وحشی، سبب شد شهر در اینجا بنا شود (امروز این تالاب به شوره‌زاری زشت بدل شده) و هم نزدیک‌تر بودن این دشت به شهر کهن اصطخر که در شمال جلگه مرودشت قرار داشت. در سده سوم هجری، هنوز شهر بزرگ اصطخر بر جا بود؛ شیراز را نزدیک آن ساختند تا جمعیت به تدریج به این شهر مهاجرت کند؛ مثل شهر جدید صدرا و شیراز کنونی.

اندیشه شهر غیرمتراکم زمانی در ذهنم به شکل نهایی تکوین یافت که با دوست دوران دبیرستان و یار نزدیکم در همان گروه مخفی که ذکر آن رفت، سید اصغر شاپوریان، در هواپیما بودیم و از شیراز به تهران می‌رفتیم. من طرح‌ها و اندیشه‌های خود برای کوهمره را بیان می‌کردم. گوش داد و نکته‌ای مهم گفت: «زمانی موفق خواهی شد که بتوانی شیراز را به عنوان شهر دارای رودخانه و جنگل تعریف کنی.»

رودخانه جزو لاینفک هر شهر زنده و سالم است. شهرهای بزرگ در پیرامون رودخانه بنا شده. از شهرهای کهن بین‌النهرین تا تیسفون ساسانی و بغداد کنونی تا مسکو و لندن و پاریس و برلین و نیویورک و غیره. اصفهان زاینده‌رود دارد. ولی تهران شهری است ناقص. تنها نزدیک بودن به محل استقرار ایل قاجار، در دشت گرگان و نواحی شمالی ایران، سبب شد که آقا محمد خان تهران را به پایتختی خود برگزیند. می‌خواست اگر به مقرش حمله کردند قجرها به سرعت یاری‌اش دهند. عشایر فارس طرفدار لطفعلی خان زند بودند و تا اصفهان اقتدار داشتند. بیهوده، صفویه و زندیه اصفهان و شیراز را به پایتختی برگزیدند. شیراز شهر ناقص است. به جز مسیلی خشک و بزرگ رودخانه ندارد. هم می‌توان این مسیل را به رودخانه‌ای واقعی بدل نمود، زیبایش کرد و «پل بازار» و شبکه قطار شهری بر آن ساخت، هم با احداث پنج کیلومتر بزرگ‌راه می‌توان شیراز را به دشت سیاخ و رودخانه قره‌آقاج و جنگل

انبوه و یکهزار هکتاری بلوطدان، که پدرم صیانت و قرق و آبادش کرد، وصل نمود.

در سخنرانی ۲۶ تیر ۱۳۸۶ در نهاد ریاست جمهوری، به منظور تبیین عملکرد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، معضل اصلی نظری ناکارآمدی برنامه‌ریزی دولتی در ایران را سه عامل دانستم: ۱- فقدان پژوهش‌های خُرد، ۲- فقدان استراتژی توسعه، ۳- فقدان شاخص‌های درست برای تدوین برنامه‌های توسعه. در سخنرانی فوق، مناطق زیبای زاگرس چون کهگیلویه و کوهمره سُرخ‌ی را به عنوان نمونه ذکر کردم و گفتم:

«نتیجه این گونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری تبدیل استانی چون کهگیلویه و بویراحمد به یکی از مصرف‌کنندگان درآمد نفت و گاز است. یعنی ایجاد جامعه‌ای عاطل که از میراث پدری ارتزاق می‌کند و دولت مرکزی، به دلیل وصل بودن به این لوله تغذیه مالی (فروش نفت و گاز)، نیازی به کسب درآمد از مردم و بالطبع جلب علاقه و حمایت مردم ندارد. در مقابل، مردم نیز احساس تعهد و تعلق نسبت به دولت ندارند. در نتیجه، همان منطقه کهگیلویه، که در زمان صفویه سالیانه به دولت مرکزی مالیات قابل توجهی می‌پرداخت و مردم آن در رفاه می‌زیستند، به منطقه‌ای مصرف‌کننده بدل می‌شود به شدت متکی بر تزریق پول از تهران، سرشار از ثروتمندان بومی که عموماً از طریق رانت‌های دولتی و فساد مالی به ثروت رسیده‌اند؛ منطقه‌ای که جمعیت آن به‌طور مدام به استان‌های همجوار مهاجرت می‌کند...

رفیق حریری، نخست‌وزیر لبنان که در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ به طرز مشکوکی به قتل رسید، منطقه‌ای کوهستانی - جنگلی در ۱۸ کیلومتری شمال بیروت به‌نام جونیه را به زیستگاهی زیبا تبدیل کرد. کار به جایی رسید که اعراب منطقه خلیج فارس و ییلاهای اسپانیا و آپارتمان‌های لندن خود را می‌فروختند و در جونیه آپارتمان و ویلا می‌خریدند...

در حاشیه جنوبی شهر شیراز، در فاصله ۳۵-۴۰ کیلومتری این شهر، که انتهای جبال زاگرس است، منطقه‌ای به وسعت سه هزار کیلومتر مربع به‌نام کوهمره سُرخ‌ی وجود دارد پوشیده از جنگل‌های زاگرسی و چشمه‌های زیبا و طبیعت معتدل؛ زیباتر از جونیه و بخشی از آن به کلی بکر. تا کی باید سرمایه ملی ما صرف بزرگراه‌های سی میلیارد تومانی در تهران شود؟ آیا با پول یکی از این اتوبان‌ها نمی‌توان شهر شیراز را به جنگل‌های کوهمره سُرخ‌ی وصل کرد و جونیه‌ای دیگر ساخت؟ آیا نمی‌توان در این منطقه، و مناطق مشابه دیگر، الگوی شهرنشینی غیرمتراکم و پراکنده را به عنوان الگوی «شهر اسلامی» احداث نمود؟ آیا ما پتانسیل‌های منحصر به فرد سرزمین بکر و پهناور خود را شناخته‌ایم و، حداقل برای تأمین منافع شخصی خویش، به بالفعل کردن این امکانات اندیشیده‌ایم؟

رفیق حریری‌های ما به دریافت پورسانت در معاملات خارجی و دلالی کمپانی‌های بزرگ خارجی و وارد کردن اتومبیل و گوشی موبایل و احداث مجتمع‌های تجاری و مسکونی بدقواره و هیولایی در تهران و شهرهای بزرگ، به چپاول موقوفات و مصادره اموال این و آن ثروتمند بی‌پناه، به «ملی کردن» اراضی مردم تحت عنوان «مرتع» و سپس دریافت واگذاری این اراضی از دولت به ثمن بخش و تفکیک و فروش آن به مردم فقیر و میانه حال علاقمندند نه به ایجاد «سویس خاورمیانه» در نزدیکی خلیج فارس. همین‌انند که قانون و دیوان‌سالاری را در ایران به لجن کشیدند و برای تأمین منافع کوتاه‌بینانه و نامشروع خود حتی شریف‌ترین مدیران و کارشناسان و قضات را با طعم رشوه آشنا کردند.»

«طرح مجتمع شهری غیرمتراکم و پراکنده» را برای محمد ابراهیم انصاری لاری، استاندار وقت، توضیح دادم. گرفت. تیز بود. انصاری می‌خواست خود بانی این کار بزرگ شود. اگر این طرح به دست انصاری لاری تحقق می‌یافت، به‌ویژه احداث تونل شیراز-سیاخ، نامش در تاریخ فارس جاودان می‌شد. قسمتش نبود. طرحی که من ارائه دادم این بود:

طرح ایجاد مجتمع نمونه به عنوان الگوی زندگی شهری غیرمتراکم در کوهپایه‌های جنوبی شیراز

خصوصی، برای مطالعه جناب آقای انصاری لاری استاندار محترم فارس
۱- در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران دولت‌های متعددی بر سر کار آمده‌اند. به‌رغم اختلافات فاحش در نگرش‌ها و دیدگاه‌های سیاسی، وجه اشتراک عملکرد تمامی این دولت‌ها فقدان نگرش علمی و بومی به توسعه جامعه ایران بوده است. در نتیجه، عملکرد این دولت‌ها، دانسته یا ندانسته، سمت و سوی واحدی داشته است: استفاده از درآمد کلان نفت و سرمایه‌گذاری دولتی در جهت ایجاد قطب‌های بزرگ و متراکم جمعیتی (به عبارت دیگر تخلیه مناطق عشایری و روستایی و جذب جمعیت انبوه به درون و پیرامون شهرهای بزرگ و کوچک).

تبعات منفی این عملکرد را به شرح زیر می‌توان بیان داشت:

الف) پیدایش قطب‌های متراکم جمعیتی در کوتاه‌مدت و دراز مدت دارای پیامدهای مخرب و منفی سیاسی برای نظام است. به عبارت دیگر، تمرکز بخش عمده جمعیت کشور در چند شهر بزرگ می‌تواند نظام را در برابر حوادث سیاسی (مانند شورش‌های شهری) یا سوانح طبیعی (مانند زلزله) به شدت آسیب‌پذیر کند. این خطر در ماجرای زلزله اخیر تهران به شکل یک هشدار بسیار جدی متجلی شد.

ب) پیدایش قطب‌های متراکم جمعیتی از نظر فرهنگی آسیب‌های اساسی وارد می‌کند. مجتمع‌های متراکم نابسامان و بی‌ریشه جمعیتی مهم‌ترین عامل دگرگونی در فرهنگ و ایجاد و گسترش فساد فرهنگی و اخلاقی است. ابن‌خلدون، جامعه‌شناس و مورخ بزرگ دنیای اسلام، قرن‌ها پیش در بررسی علل فساد، «تراکم» را به عنوان عامل اصلی فساد ذکر کرده است. تجربه سیاست‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی صحت این نظریه را به اثبات رسانیده است.

ج) قطب‌های متراکم جمعیتی هزینه‌های بسیار سنگینی را بر دوش جامعه و نظام تحمیل می‌کند. ارقام عظیمی که امروزه در جهت تلاش برای سامان‌مند کردن زندگی شهری در تهران و سایر شهرهای بزرگ هزینه می‌شود، همه پیامد این تمرکز و تراکم ناخواسته است که به تبع سیاست‌های غلط دولت‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی پدید آمده است. به عنوان نمونه، شهردار تهران [دکتر احمدی‌نژاد] در مصاحبه مورخ ۳۰ تیر ۱۳۸۳ هزینه متوسط احداث یک بزرگ‌راه در شهرهای بزرگ را ۳۰ میلیارد تومان ذکر کرد.

د) ایجاد قطب‌های متراکم جمعیتی، به‌رغم همه مفاسد سیاسی و فرهنگی و مالی که ذکر شد، زندگی مطلوبی را نیز برای شهروندان تأمین نمی‌کند و به‌عکس زندگی را از مفاهیم واقعی و انسانی آن دور می‌کند و آحاد مردم را گرفتار انبوه مشکلات زیست در مجتمع‌های متراکم و نابسامان می‌نماید. به عبارت دیگر، استراتژی توسعه مبتنی بر گسترش شهرهای متراکم، مردم را از نظر روحی فرسوده و افسرده کرده و حق طبیعی زندگی سالم و برخوردار از مواهب الهی را از شهروندان سلب می‌کند. پیامد این وضع گسترش نارضایتی و تبدیل مردم به انسان‌های افسرده و نومید است.

۲- در جنوب شهر شیراز منطقه‌ای به‌نام کوهمره سُرخ‌ی واقع است که امتداد سلسله جبال زاگرس و شاخه پایانی زاگرس به‌شمار می‌رود. این منطقه دارای بیش از سه هزار کیلومتر مربع کوهستان‌های جنگلی با رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای کوچک و بزرگ متعدد می‌باشد که از پیش از اسلام تا سال‌های اخیر مأوای قبایل کوه‌نشین بوده است. این قبایل از اولین گروه‌های ایرانی هستند که به تشیع گرویدند و به این دلیل در زمان سلجوقیان آماج سرکوب و قتل عام شدید قرار گرفتند.

کوهمره سُرخ‌ی از امکانات بسیار زیبای طبیعی مشابه با سایر مناطق زاگرسی، در کردستان و لرستان و بختیاری و کهگیلویه، برخوردار است. در این منطقه دو رودخانه بزرگ از گذشته دور جریان داشته است: رود ماصرم (نهر جرشیق زمان ساسانی) و رود قره‌آقاج (رود شکان زمان ساسانی).

الف) کوهمره سُرخ‌ی به دلیل نزدیکی و اتصال به شهر شیراز، از بدو پیدایش

شیراز جزء لاینفک این شهر به‌شمار می‌رفته و ارتباط تنگاتنگ آن با شهر شیراز برخی از حوایج و نیازهای اساسی این شهر را برآورده می‌کرده است. در گذشته، مردم این منطقه زغال و برف شهر شیراز را تأمین می‌کردند و امور خود را از این طریق و نیز از طریق فروش میوه‌های جنگلی و دامداری متحرک در کوهستان‌ها و کشت برنج و گندم (در مقیاس محدود) تأمین می‌نمودند.

در کوهستان‌ها و کوهپایه‌های منطقه کوهمره سُرخ‌ی بیش از ۸۰ روستا و چندین طایفه کوه‌نشین (مانند طوایف ششگانه سُرخ‌ی، طایفه بککی، طایفه سقلمه‌چی، طایفه مهرکی، طایفه گلکی و غیره) زندگی کرده و می‌کنند.

ب) در سال‌های اخیر، به‌ویژه در ده ساله اخیر، به دلیل سیاست‌های توسعه دولت‌های وقت، منطقه کوهمره سُرخ‌ی نیز دستخوش تحولات اساسی شده و بخش عمده جمعیت این منطقه (بیش از یکصد هزار نفر) به شهر شیراز و پیرامون آن مهاجرت کرده است. بخشی از این افراد به نیروهای مفید و کارآمد در حیات شهری بدل شده و بعضاً در نهادها و سازمان‌های دولتی و نظامی و انتظامی در مشاغل عالی جای گرفته‌اند. معهداً، بخشی از سکنه کوهمره به دلیل از میان رفتن منابع معیشتی سنتی و فقدان امکانات جدید تأمین معاش به حرفه‌های مضر و ضد اجتماعی روی آورده‌اند. پیدایش برخی گروه‌های محدود و کم‌شمار ولی بسیار خطرناک تبهکار در سال‌های اخیر نمادی از این تحول اجتماعی است.

ج) این موج مهاجرت به تخلیه کامل برخی روستاها انجامیده و سایر روستاها را به مأوای معدود افراد کهن‌سال بدل نموده است. نمونه بارز روستای شکفت است که دولت جمهوری اسلامی ایران با صرف هزینه سنگین به احداث جاده آسفالتی برای آن دست زد ولی عملاً تمامی نسل جوان روستای فوق به شهر شیراز مهاجرت کرده است.

۳- گفتیم که کوهمره سُرخ‌ی از گذشته دور تا به امروز جزء لاینفک شهرستان شیراز بوده و دادوستد آن با شیراز از کارکرد مثبت در حیات شهری برخوردار بوده است. امروزه اگر از زاویه نگرش سنتی این پیوند را مورد بررسی قرار دهیم، شاید به‌نظر رسد که منطقه کوهمره دیگر نمی‌تواند نقشی مفید برای جامعه شهری شیراز داشته باشد زیرا دیگر نه به زغال آن نیاز است و نه به برف و میوه‌های جنگلی و دامداری آن. ولی اگر از منظری نو به این پیوند و دادوستد تاریخی بنگریم در خواهیم یافت که کوهمره بار دیگر می‌تواند جایگاهی برجسته در حیات شهر شیراز ایفا نماید.

این جایگاه برجسته از طریق بهره‌برداری از امکانات طبیعی منحصربه‌فرد منطقه فوق به سود رشد و توسعه شهر شیراز به دست خواهد آمد. این امکانات طبیعی

چنان شگرف و غنی است که می‌تواند در حیات جامعه شهری شیراز انقلابی واقعی ایجاد کند و شیراز را به شهری نمونه و استثنایی نه تنها در سراسر کشور بلکه در خاورمیانه بدل سازد. به عبارت دیگر، امکانات طبیعی کوهمره سُرخ‌ی از طریق پیوند با شهر شیراز می‌تواند منطقه‌ای زیبا و نمونه مانند برخی مناطق آمریکا و اروپا یا بیروت ایجاد کند و الگوی توسعه شهری غیرمتراکم را به سرمشقی برای توسعه شهری در سایر نقاط کشور بدل نماید.

۴- هم‌اکنون در کوهپایه زاگرسی کوه دلو (آغاز منطقه کوهمره سُرخ‌ی)، در ارتفاع حدود ۱۸۰۰ متری از سطح دریا، اراضی دیم‌کار به مساحت بیش از شش هزار هکتار موجود است که از موقعیت آب و هوایی بسیار مطلوب برای احداث مجتمع‌های ویلاقی و شهری برخوردار می‌باشد.

برای تحقق «طرح ایجاد مجتمع نمونه به عنوان الگوی زندگی شهری غیرمتراکم» مراحل زیر پیش‌بینی شده است:

الف) احداث مجتمع ویلاقی غیرمتراکم از طریق تفکیک اراضی فوق به قطعات یکهزار متری، احداث جاده‌ها و امکانات زندگی شهری برای سکنه، احداث باغ (از طریق آبیاری قطره‌ای) در قطعات فوق، نصب خانه‌های پیش ساخته ویلایی (با زیربنای حدود ۸۰ الی ۱۵۰ متر مربع).

قطعات باغ‌شهر فوق با قیمت مناسب، در حد توان مالی طبقات کم درآمد، در دسترس عموم قرار می‌گیرد. ظرفیت این طرح حداقل ۳۰ هزار قطعه باغ یکهزار متری است که عرضه آن تأثیر بسیار جدی و مثبت بر وضع بحران‌زده مسکن و زمین در شهر شیراز، به سود طبقات کم درآمد و به‌ویژه جوانان، خواهد داشت.

ب) در منطقه‌ای مناسب به مساحت حدود ۳۰۰ هکتار، که از موقعیت کوهپایه‌ای برخوردار می‌باشد و از یکسو به آن بخش از رودخانه قره‌آقاج که در تمامی فصول پرآب است متصل است و از سوی دیگر به جنگل کهن‌سال بلوط، طرح ایجاد شهری به نام «شهر جدید زاگرس» پیش‌بینی شده است.

آذر ۱۳۸۳»

انصاری لاری زود شروع کرد. سه بار به بازدید پروژه من آمد. در ۱۱ بهمن ۱۳۸۳ به همراه سایر اعضای شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان از اراضی شیب‌دار مورد نظر من در دارنگان دیدن کرد و دستورهایی داد که در صورتجلسه مربوطه درج شده است. از جمله، تغییر کاربری اراضی شیب‌دار دارنگان از دیمکاری به باغ. برای احداث تونل و اتوبان تنگ شهری دستورات مقدماتی را داد. شرکت مهندسی م‌آب متولی بررسی طرح شد. نیمی از هزینه پژوهش را متقبل شدم. با دکتر احمدی، نماینده شرکت فوق که از تهران می‌آمد، چند جلسه برگزار شد. جوان خوش فکری بود. چیز بیش‌تری از آن‌ها نمی‌دانم.

پیش از آن تلاش برای احداث تونل و جاده پنج کیلومتری **تنگ شهری**^{۱۶} را آغاز کردم. با متخصصین قرارگاه سازندگی **خاتم الانبیاء** مذاکره شد. با **مهندس تهرانی**، مسئول پروژه راه آهن شیراز- اصفهان که تونل مرودشت را به اتمام رسانیده و به علت نرسیدن بودجه کارگاهش با همه تجهیزات آن معطل بود، صحبت شد. در ۳۰ مرداد ۱۳۸۳ با **مهندس نوروزی** و دو سه تن دیگر از مهندسین قرارگاه خاتم به تنگ شهری رفتیم. تا قله کوه سبزپوشان در ارتفاع ۲۹۰۰ متری از سطح دریا. بررسی کردند. شش کیلومتر جاده می خواست که چهار کیلومتر آن کاری نداشت. هم اکنون نیز می توان با اتومبیل سنگین، مثل لندروور، از این راه به شیراز رفت. فقط دو کیلومتر سمت پیرینو شیب تند داشت. می شد با ترانشه سنگین هموارش کرد. قرارگاه خاتم دو کیلومتر تونل را پیشنهاد کرد به قیمت دو میلیارد تومان. مفت بود. همه تجهیزات را داشتند و می توانستند بسیار ارزان کار کنند. نمونه کارشان، تونل مرودشت، عالی بود. به این ترتیب، سی هزار هکتار اراضی دشت سیاخ و دارنگان به دشت شیراز وصل می شد. **مهندس امیر فلاح نیا**، رئیس وقت سازمان مسکن و شهرسازی فارس، که در تخصص او تردیدی نیست، به من گفت: «دشت سیاخ دارنگون تنها راه نجات شیراز از مرگ است.» درست می گفت.

اتوبان شهید چمران، زیباترین و بلندترین بزرگراه شهر شیراز، ده کیلومتر است. با پنج شش کیلومتر اتوبان شیراز از بن بست کنونی نجات می یافت و در وضع زمین و مسکن شیراز تحولی انقلابی پدید می آمد. به همین دلیل نگذاشتند. کارشکنی ها شروع شد. از اداره منابع طبیعی آغاز شد که شهبازی هیچ حق و حقوقی در اراضی دارنگان ندارد. من که مدعی مالکیت تمام دشت سیاخ و دارنگان نبودم. من فقط حدود سه سهم از سی سهم شش دانگ دارنگان را مالکم. حدود بیست سال است بر سر این اراضی با منابع طبیعی دعوای حقوقی دارم. پرونده در دادگاه بود. روند پرونده به سود من بود. گزارش کارشناسان به سود من بود. اگر در این دعوا پیروز می شدم، که قطعاً خواهم شد، محدوده اراضی مستثنیات مالکی دارنگان به پنج

۱۶. تنگ شهری دره عظیمی است در کوه سبزپوشان که دشت سیاخ را به پیرینو و از این طریق به شیراز وصل می کند. تنگ شهری در حدفاصل ارضی کنونی ارتش و فاز یک فلاحت واقع است. سکنه شیراز به این کوه، که در جنوب دشت شیراز واقع شده، «کوه قبله» و مردم کوهمره سُرخ‌ی به آن «کوه شهری» می گویند. نام آن در متون تاریخی «کوه سبزپوشان» است. برخلاف نمای خشک این کوه، در قله آن دشت سرسبز و زیبایی، به وسعت حدود ۳۰۰ هکتار، واقع است. این دشت مرتع عشایر قشقایی است و بقایای یُرد و آغل‌های آنان پا بر جا.

یا شش هزار هکتار می‌رسید؛ یعنی سهم من فقط حدود ۶۰۰ هکتار بود. این که چیزی نیست. امثال مسعودی و اقبالی و نبی‌زاده و دیگران خیلی بیش از این‌ها از اراضی دولتی، بدون هیچ حق و حقوق شرعی و قانونی، گرفته‌اند. مگر به خاطر این که خانم افروز مبین نوه محمد نمازی است و به خاندان و فرقه‌ای خاص تعلق دارد و با بعضی‌ها خویشاوند، هشتصد هکتار زمین گرانقیمت در زیر سد سلمان فارسی قیر به او نبخشیدند؟ مگر یکهزار هکتار زمین چشمه انجیر، با ارزش کنونی حدود دویست میلیارد تومان، یعنی بیش از بیست میلیون دلار، در محدوده شهر صدرا، در تصاحب آقایان نیست و برایش نقشه‌های دور و دراز ندارند؟ مگر سه هزار هکتار اراضی دشت بکان و مهدی آباد اقلید را به خویشان مهرزاد خرد نبخشیده‌اند؟ مگر مرتضی کیانی، خویش خرد، در بکیان کامفیروز یکهزار هکتار زمین ندارد؟ مگر نمی‌خواستند به اخوی محترم سردار حاج نبی رودکی، نماینده شیراز در مجلس شورای اسلامی، سی هکتار زمین در خطیری، واقع در محدوده شهری شیراز به ارزش کنونی حدود ۱۵ میلیارد تومان، ببخشند؟ پس این امساک در ملک پدری و موروثی من برای چه بود؟

گیرم شهبازی هیچ حق و حقوقی نداشت. آیا نمی‌توانست به عنوان طراح و متولی این پروژه به توسعه شهر شیراز کمک کند؟ آیا سطح دانش و کارایی و سوابق او از امثال مسعودی و نبی‌زاده و اقبالی کمتر بود؟ آیا پیشینه چهل سال دوستی با بعضی آقایان نداشت؟ چرا چنین به او برخورد می‌شد؟

گیج بودم و سرگردان. علت را نمی‌فهمیدم. اکنون می‌فهمم. «مافیای مسکن»، معاونت عمرانی استانداری، شهرداری، شورای شهر و حزب اعتماد ملی، شرکت بناسازان رمضان، شهر جدید صدرا، شرکت فرنهاد و... همه در ذهنم آمیخته شده. نام حزب اعتماد ملی می‌آید، به یاد آن پسرک مازندرانی، میرسلیمی، می‌افتم که نماینده آیت‌الله منتظری در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران بود و اکنون یکی از ثروتمندان طراز اول ایران و رئیس شورای مشاوران دبیرکل این حزب. از کجا آورد؟ با سید مصطفی میرسلیم، وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی، اشتباه نشود. کس دیگری است. خیلی جوان‌تر است. یک بار در تهران تصادفاً به جایی رفتم و ناهار با او بودم. در موج خصوصی‌سازی صدها میلیارد تومان به جیب زد. کسی نمی‌شناسدش. معروف نیست. بیچاره شهرام جزایری بدنام شده. یک قلم دارایی‌اش کارخانه روغن نباتی نرگس شیراز است که بدون پرداخت یک ریال خرید. نام شرکت فرنهاد مرا به یاد آن پسرک عضو سازمان مخفی حزب توده می‌اندازد که هنوز لیسانس ندارد و در دانشگاه آزاد رودهن در رشته‌ای نامرتبط با شهرسازی و مسکن و معماری، در یکی از رشته‌های علوم اجتماعی، درس می‌خواند ولی از طریق شعبه شرکتش در شیراز پیمان‌های کلان ساخت و ساز با معاونت عمرانی استانداری و شهرداری منعقد می‌کند و میلیاردها تومان به جیب می‌زند. پیمانکار پروژه

بزرگ «برف فروشان» شیراز اوست. سرگیجه گرفته‌ام. ملاک برکشیدن‌ها چیست؟ تصادفی است؟ گمان نمی‌کنم. هر کس را به حریم خود راه نمی‌دهند. هر کس را ثروتمند نمی‌کنند. مملکت حساب و کتاب دارد. این پیوندها چگونه شکل می‌گیرد؟ تعلقات و پیوندهای مخفی فرقه‌ای؟ رشوه و فساد مالی؟

«مافیای مسکن» و «مافیای زمین شهری» بهم پیوسته‌اند. یکی هستند. در این کتاب من فقط «مافیای زمین» در یکی از استان‌های ایران و فقط در حوزه اراضی کشاورزی و مراتع را شرح دادم. «مافیای زمین شهری» را باید جداگانه بررسی کرد. این نیز کتاب قطوری است. «مافیای مسکن» نیز کتاب مفصلی است در چند جلد. همه کشور پر از «مافیا» شده. «مافیای نفت و گاز» جای خود دارد. یک بار با آن درافتاده‌ام و می‌دانم چه قدرتی دارد.

طرح مرا خوب فهمیدند. پتانسیل صدها میلیارد تومانی دشت سیاخ- دارنگان را شناختند. اول باورشان نمی‌شد. آن قدر گفتم و بردم که باورشان شد. آنگاه حذف من در دستور کار قرار گرفت. شرکت بناسازان رمضان صدها واحد آپارتمانی و ویلایی در شیراز و صدرا در دست ساخت داشت. احداث تونل فوق کاهش شدید قیمت پروژه‌های این شرکت را سبب می‌شد. زمانی که برج‌ها و ویلاهای در دست ساخت شرکت بناسازان رمضان تمام شود، پروژه سیاخ دارنگان آغاز می‌شود. در این فاصله، استراتژی رفع تصرف از مالکین بومی و انباشت اراضی در دست خود باید دنبال شود. زمانش که رسید، تونل دو کیلومتری و اتوبان پنج کیلومتری به سرعت زده خواهد شد و زمین‌های متری ده هزار تومان و کمتر یک شبه به متری یکصد هزار تومان و بیش تر افزایش خواهد یافت. دارنگان به قصرالدشت شیراز بدل خواهد شد. رودخانه قره‌آقاج زاینده‌رود شیراز خواهد شد. ولی اول باید مرا از شیراز اخراج می‌کردند. چرا؟

اگر مطمئن بودند من با دریافت حقوق موروثی خود به تهران باز خواهم گشت، یا به خارج از ایران مهاجرت خواهم کرد، کاری به کارم نداشتند. حدود ششصد هکتار زمین، که حداقل حق قانونی و شرعی من است، اهمیتی نداشت. به سادگی می‌شد این مسئله را حل کرد. ولی من، با سادگی تمام، در محافل خصوصی آرزوها و برنامه‌هایم را گفتم: در دارنگان خانه خواهم ساخت، کتابخانه بزرگ دیجیتال و مؤسسه تحقیقاتی در حوزه‌های تاریخ و مردم‌شناسی در دارنگان ایجاد خواهم کرد و ماندگار خواهم شد زیرا به این نتیجه رسیده‌ام با امکانات دولتی کار پیش نمی‌رود. نمی‌گذارند پیش برود. این حرف‌ها برای من شیرین بود و برای آن‌ها تلخ. اگر می‌ماندم موی دماغ‌شان بودم. پایگاه دانشگاهی و روشنفکری داشتیم. مقبول مسئولان نظام بودم. پایگاه ایلی و قبیله‌ای داشتیم. به قطبی سیاسی و فرهنگی در شیراز بدل می‌شدم. به تدریج مسائل را می‌فهمیدم. ذاتاً افشاگر و شورشی هستیم. افشا می‌کردم. تصمیم گرفتند در شیراز نباشم. اخراجم کنند. آزارها شروع شد.

«طرح شهر غیرمتراکم» در مراحل اولیه خود بود که دولت عوض شد و انصاری لاری رفت. همه کارها افتاد به دست صمد رجاء، معاون عمرانی جدید و شهردار پیشین شیراز، که خود اعجوبه‌ای است. همه چیزها شد.



با مهندس نوروزی و سایر
کارشناسان قرارگاه خاتم در
بازدید از تنگ شهری
۳۰ مرداد ۱۳۸۳



منظره دشت سیاخ و دارنگان از تنگ شهری
هم اکنون با اتومبیلی مثل لندروور می توان به سادگی از این مسیر به شیراز رفت.



منظره دشت شیراز از قله کوه سبزپوشان
۲۹۰۰ متر از سطح دریا



منظره دشت شیراز از قله کوه سبزپوشان
در همین جاده‌ای که در عکس می‌بینید می‌توان با اتومبیلی مثل لندرور تردد کرد

جمهوری اسلامی ایران
وزارت مسکن و شهرسازی
سازمان مسکن و شهرسازی استان فارس

تاریخ: شماره: پیوست:

پسمه تقابلی

جناب آقای دکتر انصاری لاری
استاندار محترم فارس

احتراماً، به بیوست صورتجلسه بازدید از اراضی سیخ دارنگون مورخ ۸۳/۱۰/۲۴ که در حضور جنابعالی و برخی مسئولین دستگاههای اجرایی تشکیل گردید جهت استحضار تقدیم میگردد.

امیر فلاح نیلای
رئیس سازمان

۲۶ ۳۲۱۰۸
۱۳۸۳ / ۱۱ / ۱۱
رونوشت:

- معاونت محترم عمرانی استانداری فارس جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.
- مدیر کل محترم اوقاف جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.
- رئیس سازمان جهاد کشاورزی جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.
- فرماندار محترم شیراز جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.
- مدیر کل محترم منابع طبیعی جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.
- مدیر کل محترم امور اراضی جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.
- سازمان آب منطقه ای جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.
- فرماندار محترم نیروی مقاومت سپاه جنوب جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.
- مدیریت شهرسازی و معماری استان جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.
- مهندس مشاور مآب جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.
- مهندس مشاور و شهروخانه جهت استحضار به انضمام یک نسخه تصویر صورتجلسه.

۸۳/۱۱/۱۲

آدرس: بلوار ستار خان # کد پستی ۷۱۸۳۹۳۵۴۸۵ # فاکس: ۶۲۷۷۷۱۰-۶۲۶۵۴۷۹ # تلفن: ۶۲۶۳۱۷۰-۲

www.mhudf.gov.ir

صورتجلسه بازدید استاندار و اعضای شورای برنامه ریزی و توسعه استان فارس اراضی ارائه شده توسط من در دارنگان مصداق همان اراضی شیبدار و کم بازده دیم کار است که برای جلوگیری از فرسایش و نابودی خاک مفید آن باید به باغ تبدیل شود.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت مسکن و شهرسازی
سازمان مسکن و شهرسازی استان فارس

پیوست:

شماره:

تاریخ:

بسمه تعالی

صور تجلسه باز دید از اراضی سیخ دارنگون

پیرو درخواست آقای عبدالله شهبازی از جناب آقای دکتر انصاری لاری استاندار محترم استان فارس، مبنی بر بازدید از اراضی دارنگون به منظور بررسی این مسئله که آیا اراضی مورد نظر در محدوده دارنگون (پاک ۷۲، بخش ۲۳ فارس)، که هم اکنون گندم دیم در آن کشت می شود، با توجه به کمی بازده محصول (حدود ۳۰۰ کیلوگرم در هکتار در سال های پر بارش) و شیب دار بودن و وجود تپه ها و مسیل های فراوان در آن و با توجه به سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران دال بر یکپارچه سازی اراضی کشاورزی، می تواند در قالب مصوبه جلسه ۱۳ آذر ۱۳۸۳ شورای توسعه و برنامه ریزی استان فارس عمل شود در ساعت ۸ صبح پنجشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۸۳ با حضور استاندار محترم فارس و با شرکت آقایان حجت الاسلام و المسلمین سید حبیب الله موسوی (مدیر کل اوقاف فارس)، سردار عبدالعلی نجفی (فرمانده نیروی مقاومت سپاه منطقه جنوب)، حبیب اله دباغ (معاون عمرانی استاندار)، اسکندر پور (فرماندار شیراز)، شرفی (معاونت جهاد کشاورزی فارس)، عابدی راد (مدیر کل منابع طبیعی)، بوستانی (مدیر کل امور اراضی)، امیر فلاح نیا (رئیس سازمان مسکن و شهرسازی)، حجری (معاون شهرسازی و معماری) و گروهی از کارشناسان جلسه ای در محل وقوع اراضی تشکیل گردید.

در این جلسه ضمن بحث و بررسی پیرامون سامان دهی اراضی دارنگون، ابتدا آقای عبدالله شهبازی پس از خوشامد گویی به آقای استاندار و هیئت همراه شمه ای از گذشته و موقعیت جغرافیایی منطقه به استحضار رسانید و هدف از انجام این پروژه را کمک به رشد و توسعه منطقه دارنگون با عنایت به پتانسیل ویژه آن نزدیکی به کلان شهر شیراز و رفع نیازهای آبی شهر فوق برشمرد. سپس مهندسان مشاور سازمان مسکن و شهرسازی بر اساس نقشه ها و

آدرس: بلوار ستار خان # کد پستی ۷۱۸۳۹۳۵۴۸۵ # فاکس: ۶۲۷۷۷۱۰-۶۲۶۵۴۷۹ # تلفن: ۲-۶۲۶۳۱۷۰

جمهوری اسلامی ایران
وزارت مسکن و شهرسازی
سازمان مسکن و شهرسازی استان فارس

تاریخ:

شماره:

پیوست:

سوابق موجود توضیحاتی را ارائه و لزوم انجام مطالعات قابلیت سنجی را مورد تاکید قرار دادند در نهایت مقرر گردید مطالعاتی با هدف ایجاد منطقه تفریحی شامل ایجاد باغ، ایجاد فضاهای عمومی جهت توسعه توریسم و گردشگری انجام و حداکثر ظرف ۲ ماه از زمان انعقاد قرار داد مطالعات مربوطه بررسی و به تائید مراجع ذیربط برسد.

جناب آقای استاندار ایجاد شرایط مناسب برای تحقق پروژه به ویژه ایجاد راه ارتباطی از طریق پیرنیاب - تنگ شهری - رودخانه قره آقاج - به اراضی دیمکار دارنگون را مورد تاکید قرار داده و از فرماندار محترم شیراز خواستند که از طریق اداره کل راه و ترابری استان طرح احداث جاده و تونل فوق را در اسرع وقت تهیه و عرضه کند.

در این رابطه بخشدار مرکزی شیراز چگونگی برخورد به اراضی ارتش در پشت تنگ شهری (منطقه سیاح) را مطرح کردند. نظر جناب آقای استاندار این بود که فعلاً در آن چه مربوط به خرده مالکین محلی است عمل شود و وارد بحث اراضی ارتش نشویم و جاده مورد نظر در حاشیه اراضی معروف به فلاحت و فراغت و اراضی خرده مالکین سیاح (مرز اراضی فوق با اراضی ارتش) به رودخانه قره آقاج و اراضی دیمکار دارنگون وصل شود راه دسترسی سکنه خان خوبس به شیراز نیز از طریق جاده حاشیه رود قره آقاج در اراضی دارنگون به تنگ شهری میان بر و کوناه خواهد شد. به این ترتیب جاده موجود شیراز به سیاح - دارنگون (از طریق منطقه ده شیخ) نیز می تواند به جاده اختصاصی ارتش تبدیل شود و معضلات موجود امنیتی در این زمینه که مشکلات فراوانی برای مردم منطقه آفریده رفع گردد.

جناب آقای استاندار و هیئت محترم همراه ضمن بازدید از محل با تکیه به مصوبه جلسه ۱۴ آذر ۸۲ شورای توسعه و برنامه ریزی استان منقلاً به این نتیجه رسیدند که اراضی دیمکار مذکور در زمره اراضی شیب دار و کم بازده و درجه سه ارزیابی شده و لذا در قالب بخشی از ۲۰۰ هزار هکتار اراضی مصوبه جلسه فوق قرار گرفت که مقرر شده کاربری آن دیمکاری به باغکاری تغییر یافته و به باغات تبدیل شود.

آدرس: بلوار ستار خان # کد پستی ۷۱۸۳۹۳۵۴۸۵ # فاکس: ۶۲۷۷۷۱۰-۶۲۶۵۴۷۹ # تلفن: ۶۲۶۳۱۷۰-۲

جمهوری اسلامی ایران
وزارت مسکن و شهرسازی
سازمان مسکن و شهرسازی استان فارس

پیوست:

شماره:

تاریخ:

در ادامه، ضمن نظر خواهی از جناب آقای فلاح نیا، ریاست محترم سازمان مسکن و شهرسازی استان فارس و توضیحات ایشان مقرر گردید در ارتباط با ارائه طرح سامان دهی اراضی دیمکار دانگون با هدف مجموعه تفرجگاهی و ایجاد باغچه های خصوصی اقدامات لازم صورت گیرد. در خصوص کیفیت و کمیت باغات مقرر شد توسط مشاورین بررسی لازم انجام و چگونگی آن در قالب طرح پیشنهادی ارائه شود.

در خصوص تامین آب مورد نیاز برای اجرای پروژه با توجه به چشم انداز آینده آن نظر جناب آقای استاندار بر این قرار گرفت که این امر از طریق سازمان آب منطقه ای پیگیری شود.

در توضیحاتی که متقاضی به عرض استاندار محترم رساند به این نکته تاکید شد که با اجرای این پروژه حداقل ۱/۵ میلیون اصله درخت میوه در اراضی فوق غرس خواهد شد و فضای مشجر ایجاد شده تپه ماهوری های دیمکار دارنگون را به جنگل های بلوط منطقه کوهمره سرخی وصل خواهد کرد. به این ترتیب فضای مناسب برای تنفس سالم کلان شهر شیراز پدید خواهد آمد و تحولی اساسی در وضع زیست محیطی شهر شیراز و حومه آن ایجاد خواهد شد.

۱۲ ۳۲۱۰۸

آدرس: بلوار ستار خان # کد پستی ۷۱۸۳۹۳۵۴۸۵ # فاکس: ۶۲۷۷۷۱۰-۶۲۶۵۴۷۹ # تلفن: ۶۲۶۳۱۷-۲